



سومین سیمینار گفتمان ملی تاریخ 25 جنوری 2023

با شرکت:

- پروفیسور دوکتور زمان استانیزی معاون گفتمان ملی افغانستان
- محترم جمشید پایمرد معاون گفتمان ملی افغانستان
- صدیق وفا مسئول کمیسیون نشرات گفتمان ملی
- خانم فرشید ژوبل سکرترشورای اجراییه گفتمان ملی
و خانم فوزیه پوپل مسؤول کمیسیون زنان گفتمان ملی
همچنان در کارسیمینار: به تعداد 36 تن از هموطنان و روشنفکران از داخل و خارج کشور به شمول
آقای یحیی چاووش، خانم عاطفه منصوری از آلمان، خانم سهیلا کوهی از اسلام آباد، خانم فرزانه
خیر اندیش کارمند دولت سابق، خانم شکریه پیکان سابق وکیل در پارلمان سابق مقیم کولمبیا،
خانم تیموری، کبرا دستگیر زاده مقیم بلجیم، خانم شراره سروری مقیم پاکستان، خانم مینه
کاظمی از بلجیم، خانم آمنه کریمیان، خانم زهره واحدی اختری از پاکستان، خانم یاسمین
عظیمی، آقای نعمت کاشفی استاد پوهنتون، آقای سید برهان الطافی، خانم سوسن بهبود زاده،
آقای داکتر ابراهیم فروزش از ایران، آقای روح الله سمون، خانم سمیرا، آقای نذیر نثار، خانم مرگان
فراجی، گل باز، وحید تیموری، رویا افغانیار، مریم جويا، جاوید جويا، مسعوده و چندین تن زنان
ومردان بدون نام با تیلیفون سمسونگ و آیفون در بحث شرکت داشتند.

اجندا:

- ۱- چگونه ممکن است بدیل حاکمیت طالبان را بوجود آورد آیا ممکن و عملی است؟ از راه تقابل
نظامی؟ یا از طریق حرکت‌های مدنی، گفتمانها و جرگه های ملی؟
- ۲- نقش نیروهای ملی را درسرنوشت کشور چگونه ارزیابی میکنیم؟
- ۳- نقش عوامل خارجی را چگونه ارزیابی میکنیم؟
- ۴- حرکت گفتمان ملی افغانستان چه اهداف را دنبال میکند واز کدام نیروها تشکیل شده است؟
سیمینار با طرح اجندا از سوی خانم فرشید ژوبل آغاز وبا خیر مقدم محترم جمشید پایمرد رشته
سخن به پروفیسور ستانیزی واگذار شد.
- استاد ستانیزی با این شعر از دیوان شمس مولانا که تحت عنوان (ای وصل تو آب زنده گانی)
میا شد، مقدم سیمینار را رنگین ساخت:

پرسید یکی که عاشقی چیست / گفتم که مپرس از این معانی

آنکه که چو من شوی ببینی / آنکه که بخواندت به خوانی

ما هنوز ما نشده ایم، هنوز من ها هستیم، متلاشی بودن هویت ما باید تعریف شود.
هویت افغانیت ما به مسلمان بودن، تاجیک بودن و پشتون بودن گم ونا هویدا شده است.
افغانستان بزرگ را نمی توانیم داشته باشیم تا ما بزرگ نشویم وبا یک هویت بزرگ ملی تبارز نه
نمایم. در نیم قرن اخیر رهبر ها که در حقیقت " ره بُر بودند" ما را بی هویت ساختند، افغانیت را
از ما گرفتند وما را به شاخه وشعبه ها تقسیم کردند، در این دوران همدیگر را کُشتیم و تا حال
میگشیم، از راه اندیشه وتفکر اختلافات خود را حل نکردیم. نو اندیشی یک انقلاب است، از یک

قالب به قالب دیگر گذار نمودن است.

دوکتور ستانیزی افزودند: بسیاری کشورها مانند: هند، آفریقا، آمریکا از برکت سیاست عدم تشدد به موفقیت های بزرگ دست یافتند، یگانه راه همین است ما باید در مقابل طالبان راه سیاست عدم تشدد را بکار گیریم، مثلاً در روز جمعه همه مردم زنان و مردان و نوجوانان در همه شهرها به مساجد بزرگ بروند بعد از نماز همه خاموشانه چندین ساعت روی جاده ها بنشینند و راه ترانسپورت را بند کنند، طالب را باید با سلاح خودشان تعویض کرد، طالبان در مقابل احتجاج خاموشانه مردم باید مجبور به عقب نشینی گردند. با چند مظاهره خیابانی و بی اتفاقی زنان کاری ساخته نمیشود، مردم در تمام شهرها باید به پا خیزند، شما به خیزش مردم در مصر، در ایران در بهار عربی فکر کنید همه به واسطه تلفون و انترنت سازمان داده شد، مطبوعات جهان نیز موضوع میپالند این خیزشها سراسر کشور را خواهد گرفت ما باید از اسلحه دین و مذهب درست استفاده کنیم، طالبان مشروعیت ندارند و حکومت نیستند بلکه حاکمیت دارند تا زمانیکه ملت را به رسمیت نشناسند مشروعیت داخلی بدست آورده نمیتوانند.

- داکتر فروزش سوال کرد و جلو سخن را گرفت: افغانستان یک کشور چند زبانی و چند فرهنگیست، پیشینه قومی متفاوت دارد، در چنین کشور چسپیدن به واژه های چند سال پیش مرید و مرشد کهنه شده است، نباید از سیاست های ویست فالیا پیروی کرد که مردم را از امت به ملت تبدیل کردند و جای هویت های طبیعی راهویت های تباری گرفت و ایرانی ها و ترکها با این سیاست ملت سازی نتوانستند در افغانستان توسط محمود طرزی ناسیونالیزم تباری جای ناسیونالیزم مدنی را گرفت. برای برون رفت از این حالت باید به تغیر ناسیونالیزم تباری به ناسیونالیزم مدنی یک بافت داده شود و اینکه به مردمان دارای فرهنگ و زبان جداگانه چه میدهم و چه میگیریم. عالم دین هم درست نیست، دین علمی نیست که عالم داشته باشد، آنان را به نام شان ملا و مولوی باید گفت.

- دوکتور ستانیزی جواب دادند: سوال آقای فروزش بحث کلان است اما، ملی گرایی که از برخورد ویست فلیا آغاز شد بزرگترین فجایع بشریت بود. در آنجا هویت های قومی، دینی و زبانی از بین برده شد مثلاً: در فرانسه همه مردم را فرانسوی زبان ساختند، مردمی که کاتولیک نبودند همه را کاتولیک ساختند، سیاست ویست فلیا در اروپا به جنگهای صد ساله مبدل شد. در زمان احمد شاه بابا افغانستان کشور بزرگ و مقتدر بود در آن زمان هویت های جداگانه فرهنگی و قومی مردم حفظ گردید، حتی احمد شا بابا والیان هندو، کشمیری و ملتانی مقرر کرد، در دولتهای افغانستان تمام اقوام نماینده داشتند، با حفظ هویت اقوام ما یک هویت ملی کشوری داشتیم، در سیصد سال بین مردم افغانستان هیچ وقت اختلاف وجود نداشت و ما همه افغان بودیم و کدام زبان و قوم ازین برده نشد، در ترکیه به تقلید از اروپاییان زبان وهویت مردم را از آنها گرفتند. حال در افغانستان فکر کنید ماشین موتر شکسته است و شما میخواهید نمبر پلیت موتر را تبدیل کنید آیا موتر چالان میگردد؟ پاکستان با تغیر نام پاک ساخته نشد! ما باید راه حل افغانستان را با فرهنگ خود ما دریابیم، ما باید بدور یک محور بزرگ ملی جمع شویم ما نباید در منیت های کوچک جمع گردیم، درسودان، درحبشه آیا وضعیت آنها بهتر شد ما نباید از کشور های کوچک درس بگیریم که هر روز زیر پا میشوند ما باید از اروپا که هر روز قوی تر میشوند بیا موزیم، کشور های استعماری میخواهند که ما کوچک شویم تا ما را خوبتر بچاپند! اروپا به مدنیت بزرگ تبدیل میشوند و خود را اروپایی میگویند و ما را به اقوام و تبار های کوچک تبدیل میکنند کشور های آسیایی را کوچک میسازند تا خوبتر آنها را استعمار کنند.

هویت‌های قومی است که ملت را می‌سازد، اما هویت ملی ما همان افغان بودن ماست. به ادامه در مورد سیاست عدم تشدد گاندی سخن گفت و اضافه نمود گفتمان با اپوزیسیون و مخالفان میشود، زیرا اگر موافق باشیم بالای چی گفتمان نماییم. سپس خانم کبرا دستگیر زاده گفت: افغانستان باید تجزیه شود سیاست عدم تشدد با طالبان نتیجه ندارد.

- خانم سمیرا گفت: وقتی مردم اعتماد خود را ازدست بدهند هیچ کار سیاسی جایی را نخواهد گرفت.

- خانم آمنه کریمیان گفت راه حل قضیه افغانستان در گرو سیستم فدرالیست!

- خانم گل‌لالی اکبری گفت: افغانستان کشور واحد نمیشود باید تجزیه گردد و به کمک تاجکستان علیه طالبان باید جنگ آغاز گردد.

پیرامون پرسشهای بالا دوکتور استانیزی گفت: تجربه نشان داده است که تجزیه راه حل نیست از کشور بنگله دیش و تجاوز هندو بر 450 زن مسلمان یاد آور شد و چند مثال دیگر هم وافزود که نه تجزیه و نه فدرالیسم میتواند پاسخگوی وضعیت کنونی باشد. تجربه ناکام را هر قدر تکرار کنید نتیجه مثبت از آن بدست نمیدهد، جنگ راه حل نیست 43 سال جنگ چه نتیجه داد؟ مقاومت مسلحانه راه حل نیست، طالبان با سلاح دین به قدرت رسیدند ما باید آنها را با همان روش دینی و با سیاست عدم تشدد گاندی عقب بزنیم در مقابل گاندی انگلیسها از خشونت کار گرفت ولی گاندی پیگیر بود و کشتار انگلیسها ناکام ماند و هند به استقلال رسید و امپراطوری که در سرزمین آن آفتاب غروب نمیکرد شکست خورد، در افریقای جنوبی نیلسن ماندیلا- در امریکا در مقابل سیاست نژادی سفید پوستان مارتین لوتر کینگ پیروز شدند. اما بروید تجزیه هندوستان را بنگرید چندین ملیون کشته شدند فاجعه نایجریا، تجربه تجزیه یوگوسلاویا را بخاطر بیاورید تجزیه پاکستان و بنگله دیش را بیاد بیاورید به امر یحیی خان به 450 هزار زن تجاوز کردند تا غرور مردم را بشکنند. در به قدرت رسیدن مجاهدین پشتونها حاکم نشدند شما دیدید که بر مردم افشار چه فجایع بوقوع پیوست، جنگ بین هزاره ها تاجکها و اوزبیکها بخاطر قدرت چه ارمغان داشت. حال ما باید فکر کنیم که به راه سومالیا، اوگندا و حبشه میرویم یا به راه اروپا به هویت متحد؟

در رابطه به ماده اول اجندا صدیق وفا گفت: به نظر می‌رسد که حاکمیت طالبانی سرنوشت محتوم (ناگزیر) افغانستان است. طالبان در حالی که در حکومت‌داری همانند گذشته شیوه‌های قرون وسطایی را در دستور کار دارند و با اصول و قواعد حقوقی دنیای مدرن سرنا سازگاری دارند، اما یک امتیاز مهم دارند و آن نداشتن بدیل است، بدیلی که بتواند با اتکاء به منابع داخلی، حاکمیت سراسری را به دست آورد و امنیت نسبی را تأمین کند. در حال حاضر هر چند تعدادی از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به نحوی با حکومت طالبان در تعامل هستند که دال بر شناسایی دفاکتوی این حکومت است.

در اینجا چند مطلب در برابر ما قرار دارد.

- یکی مساله شناسایی طالبان که وابسته به دو عامل مهم است: مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل عمومی باید دو شرط اساسی را طالبان تکمیل کنند که اولاً کسب مشروعیت داخلی با دو مبنای مشروعیت تأسیسی/قانونی و مشروعیت کارکردی و ثانیاً پابندی به عنوان یک دولت در انجام تعهدات بین‌المللی دولت‌ها، می‌باشد. در سطح داخلی باید طالبان مشروعیت حکومت خود را توسط یک مرجع قانون‌گذاری عالی که در افغانستان معمولاً از طریق «لویه جرگه» حاصل

می‌شود، محرز کرده و سپس با ارائه خدمات عمومی مشروعیت کارکردی خود را نیز استحکام بخشند. در سطح بین‌المللی لازم است که این گروه، با پذیرش قواعد و اصول پذیرفته شده جهانی و انجام تعهدات و مسؤولیت‌های بین‌المللی زمینه شناسایی خود را توسط سایر دولت‌ها فراهم کند. این روند با وضعیت کنونی طالبان مشکل به نظر می‌رسد.

طبعاً طوری که ستانیزی صاحب گفتند، بدیل طالبان از راه جنگ و تقابل نظامی نی بل از طریق گفتمان سیاسی و حرکتهای مدنی به وجود خواهد آمد. سیاست عدم تشدد و اعتدال پسندی و خط میانه میتواند بدیل باشد. تفصیل آنرا استاد بیان داشتند.

- سپس نوبت به آقای چاووش رئیس حرکت ملی خط سوم داده شد: ایشان ضمن معرفی خود و سابقه 28 سال پیش اعتدال پسندی گفت: حرکت ملی ما با تحلیل وضعیت جاری و مطالعه طالبان که از راه زور به میان آمده و هیچ سر سازگاری با زور و مقاومت مسلحانه را ندارد به این نتیجه رسیده ایم که راه مذاکره، مفاهمه و روش اعتدالی میتواند باب مذاکره و گفتمان را باز کند، طالبان بین خود هم ناسازگاری دارند که در خفای بیان میدارند. سیاست تجزیه طلبی، جنگ و مقاومت مسلحانه علیه طالب به نتیجه خواهد بود، اما گفتمان سیاسی و فعالیت مدنی میتواند نتایج خوب را ببار بیاورد.

- سمیر ایفون گفت: در بخش ملت سازی نا کام ماندیم.

- استاد ستانیزی پاسخ داد: افغانها با هم گره خورده اند، مردم عام مشکل ندارند ، اما در پروژه ملت سازی نسبت سیاست های نا کام حکومتها موفق نبودیم.

خانم مینه : گفتمان با یک گروه تروریستی فایده ندارد، درمورد قتل و جنایت طالبان من حیث یک پروفیسور چه نظر دارید؟

- استاد ستانیزی پاسخ داد: به فوتو های سابق عبدالله عبدالله، عطا محمد نور، دوستم و دههای دیگر نگاه کنید، آنان عین آدمکشی، عین انفجار و راکت پراگنی را داشتند، طالب انتحار را افزود، اما از نگاه کلتور شهری و متمدن بودن هردو یکی بودند و هستند، جامعه جهانی چطور مجاهدین رادکنفرانس بن با همان پیشینه جنایت و آدمکشی روی صحنه آورد، امریکا چطور طالبان را در کنفرانس بن راه نداد، اما بعد از توافقات دوحه حکومت قانونی را که خود ساخته بود توسط طالب سرنگون کرد. این سیاست است در سیاست هرچه ممکن است.

- خانم سوسن : طالب اصلاح نا پذیر است.

خانم مینه : گفتمان با یک گروه تروریستی فایده ندارد، درمورد قتل و جنایت طالبان من حیث یک پروفیسور چه نظر دارید؟

- پاسخ استاد: مطمئن باشید، همانطوری که عبدالله عبدالله و سایر رهبران را پاک و نظیف و اصلاح نمودیم، طالبان را گرچه به موازات مجاهدین پیش از حکومتداری لباس سفید و پاک و ستره می پوشند، بعد از مدتی منزله تر خواهند شد و ناگزیر اند برای دوام حیات فردی و سیاسی خود با جامعه جهانی تعامل و در برابر خواسته های مردم افغانستان تمکین کنند.

در جریان سمینار آقای جمشید پایمرد کار سمینار را مدیریت نموده به یکتعداد سوالات نیز جواب ارایه نمودند و در ضمن تماس به اهداف و اندیشه گفتمان ملی افزود: گفتمان ملی یک حرکت ملی و رهنمای آن سیاست عدم خشونت است، از طریق فشار مدنی و بین المللی در نظر است بر پایه قانونمندی و قانون اساسی مصوب لویه جرگه و یا مجلس بزرگ ملی ، اتحاد، وفاق ملی بر مبنای منافع ملی تحکیم و گسترش یابد. تجزیه و فدرالیزم ما را بجای نمی رساند، ما کی هستیم ما افغانان

هستیم و این سرزمین افغانستان ، فقط راه حل بسیج همه نیروهای ملی، متری ، آگاه بدور یک برنامه نجات بخش است ، جنگ و تجزیه و مقاومت مسلحانه ما را بجای نمی رساند.

سپس آقای پامرد ازجناب داکتر استاد ستانیزی خواست تا سیمینار را نتیجه گیری و جمعبندی نماید.

در پایان آقای جمشید پامرد ضمن تماس به اهداف و اندیشه گفتمان ملی افزود: گفتمان ملی یک حرکت ملی و رهنمای آن سیاست عدم خشونت است، از طریق فشار مدنی و بین المللی در نظر است بر پایه قانونمندی و قانون اساسی مصوب لویه جرگه ویا مجلس بزرگ ملی ، اتحاد، وفاق ملی بر مبنای منافع ملی تحکیم وگسترش یابد. تجزیه وفدرالیزم ما را بجای نمی رساند، ما کی هستیم ما افغانان هستیم و این سرزمین افغانستان ، فقط راه حل بسیج همه نیروهای ملی، متری > آگاه بدور یک برنامه نجات بخش است ، جنگ و تجزیه و مقاومت مسلحانه ما را بجای نمی رساند.

سپس آقای پامرد از استاد ستانیزی خواست تا سیمینار را نتیجه گیری و جمعبندی نماید. دوکتور ستانیزی چنین گفت:

"اگر طالبان را در سطح دین وقرآن مطالعه نماییم و از راه شریعت قرآنی نگاه نماییم آنان در سطح ذهنیت اعتقادی قرار دارند، همچنان 80 الی 90 در صد مردم افغانستان نیز دارای ذهنیت دینانی اند، به دویا حتی به چهارپا بدنبال طالبان می دوند.

در چنین فضا ایجاد اندیشه، اگر اندیشه بخش عملی را نداشته باشد، خیال بافی است . اندیشه ورزی امروز ما را به نحو یک تخمه بنگرید، این تخمه کشت میشود، آبیاری میشود و رشد و پرورش میکند. سیاست عدم تشدد وگفتگورا بیان کردیم وراههای عملی آنرا در افغانستان نشان دادیم.

اگر طالبان امروز را با مجاهدین سابق مقایسه نمایم نه در طرز فکر وکشت وکشتار شان تفاوت است و نه طرز حکومت داری شان، آنها هم به نام اسلام آمدند و به نام اسلام کشتند، طالب هم به نام اسلام آمدند و به نام اسلام گشتند.

محیط سالم ببار آورنده انسان سالم است، گفته معروف است: " انسان زاده محیط است" محیط تربیه وپرورش مجاهد وطالب کوه و صحرا بوده، روی درس و تعلیم و مکتب و فاکولته را ندیده اند، پس از آنان چه توقع باید داشت، با زور سرنیزه آمده اند و بجز شمشیر و سلاح و جنگ چیزی از جهان متمدن نمی دانند. من هم در یک محیط دهاتی تولد وپرورش یافته ام، اما پیوستن من وامثال من به جهان متمدن وآموزش بیشتر مرا تغییر داد و ناگزیرم انسانی، علمی و متمدنانه به اندیشم.

حال میدانم که "امارت اسلامی" جواز اسلامی ندارد ، حکومت دینانی مجاز نیست و اکنون سختترین نقاد آن هستیم.

جمعبندی: یک گفتمان صورت گرفت، یک اندیشه خلاق و قابل عمل مطرح شد، امید وار هستیم مورد توجه قرار گرفته باشد، تخمی را که از راه و سیاست عدم تشدد و اعتدال پسندی گاندی، مارتین لوتر کینگ و نلسن ماندیلا و سایر پیشوایان و رهبران سالم اندیش کشتیم متوقع هستیم که به ثمر برسد."

سیمینار که از ساعت 17:00 آغاز یافته بود سه ساعت 20:15 پایان یافت، چون وقت zoom محدود بود برنامه فشرده گردید.

نوت: شماری از شرکت کننده گان که به روند سیمینار آشنایی کامل نداشتند ویا عمداً میخواستند روند سیمینار را به مشاجره وپیراهه بکشانند، اما با مدیریت سالم آقای پایمرد و سخنان رهنمودی دوکتور ستانیزی سیمینار روند نورمال خود را پیمود وشماری علاقمند پیوستن به حرکت گفتمان ملی شدند.

در پایان از سهم شایسته خانم فوزیه پوپل مسوول کمیسیون زنان گفتمان ملی در فراخوان سیمینار واز خانم فرشید ژوبل سکرترشورای اجراییه گفتمان ملی نسبت همکاری غرض اداره سیمینار و ارایه اجندا از سوی رهبری گفتمان ملی ابراز امتنان گردید، ایشان وعده گذاشتند که چنین سیمینار ها ادامه خواهد یافت.

با حرمت

ص.وفا

مسوول کمیسیون نشرات

